

بسم الله الرحمن الرحيم

دوست من، ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت فرا رسیدن ولادت امام مهربان‌مان، حضرت حجت بن حسن عسکری علیه‌السلام، و نیز تبریک مجدد از فرصت مجدد برای خدمت‌گزاری جناب‌عالی در پیشگاه وجود مقدس ایشان، در ادامه متن مختصری به حضورتان می‌رسد که در مقام سخنران مراسم می‌توانید به ذکر آن بپردازید. لازم به تذکر است در اختیار قرار گرفتن این مجموعه کوتاه، مانع به کارگیری خلاقیت و ظرافت‌های شخصی شما در مدیریت فضا نیست و در نهایت این درایت شماست که به هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم کمک می‌نماید. در پایان نیز ضمن آرزوی توفیق الهی و همراهی دعای خیر امام عصر علیه‌السلام برای شما، نکاتی چند را یادآور می‌شویم:

۱. ظاهری آراسته، برازنده‌ی خدمت‌گزاران امام عصر است.
۲. پیش از اجرای مراسم، نیت فرمایید و برای اجرای هرچه بهتر و مطابق‌تر با نظر امام عصر، از ایشان درخواست یاری فرمایید.
۳. سخنرانی را در پیشگاه مدعوین، با نام خدا و دعا برای سلامتی امام عصر آغاز نموده و هرفرصتی را در این جمع، برای دعای تعجیل در فرج امام، مغتنم شمارید.

موفق و پیروز باشید.

نیمه شعبان ۱۳۹۹

وادی ایمن

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا

[آل عمران: ۹۵ و ۹۶]

کعبه، نخستین خانه‌ای است که برای بندگی مردم، در سرزمین مقدس مکه بنا شده است. خانه‌ی فزونی‌بخش خیر و خوبی، خانه‌ای که برای همه هستی هدایت است. نشانه‌های آشکاری از خدایی بودن این خانه در آن است. مقام ابراهیم یکی از نشانه‌هاست. هرکس به حریم الهی این خانه وارد شود، در امن و آرامش خواهد بود.

این بیان ظاهر آیه‌ی شریفه است و همین‌طور هم هست. به‌همین‌جهت حتی حیوانات که در حریم کعبه هستند، به‌هیچ‌رو نباید صید شوند یا آسیب ببینند [کافی ۴: ۲۲۶]. اما این معنای ظاهری، ژرفای بیشتری هم دارد و می‌دانیم که برای دریافت باطن و ژرفای آیات خدا باید دست نیاز به سوی عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دراز کنیم.

ابوحنیفه که پیش‌تر شاگرد امام صادق علیه‌السلام بود، بع تحریک حکومت و تشویق و خواسته‌ی دل، مدعی مکتب و مرام شد و رو در رو با امام صادق علیه‌السلام داعیه دانش کرد. دانش دروغینی که ثمره‌ی آن بدعت‌ها و کژی‌هایی است که در دین پدید آورد. امام پیوسته می‌کوشید تا با برهان و دلیل، اشتباهات و نادانی‌های او را بر وی آشکار کند و او را از کژروی و گمراه‌کردن باز دارد. یک‌بار در یک گفتگوی قرآنی اما از او پرسید: ای ابوحنیفه، آن سرزمین مقدس کجاست که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: هرکس وارد آنجا شود، در امان خواهد بود؟

پاسخ این پرسش ظاهراً روشن بود و از این رو ابوحنیفه بی‌درنگ گفت: منظور کعبه و حریم آن است. امام دوباره از او پرسید: مگر حجاج بن یوسف، آنگاه که عبدالله بن زبیر به کعبه پناهنده شد، آنجا را با منجنيق نکوید؟ مگر کعبه را ویران نکرد؟ مگر نه این است که عبدالله و یاران او را کشت؟ آیا آن‌ها در خانه‌ی خدا، در امان بودند؟ آیا این آیه‌ی قرآن به این ترتیب نادرست خواهد بود؟

ابوحنیفه که این سخن را شنید، مات و مبهوت ماند که چه بگوید. او سکوت کرد. چون حرفی برای گفتن نداشت.

سماعه بن عمران می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم مردی مالی از من برده و مدتی است از من پنهان شده است. اکنون او را دیدم که به دور کعبه طواف می‌کند. آیا می‌توانم به سراغش بروم و طلبم را از او بخواهم؟

امام فرمود: خیر. کاری به او نداشته باش. حتی به او سلام هم نکن. مبدا که او را بترسانی. بگذار تا طوافش تمام و از حرم خارج شود، آنگاه به سراغش برو.

از منظر امام، حرمت حریم تا آنجاست که ترساندن و امدار توسط بستانکار را هم جایز نمی‌داند. مبدا که این امر موجب ترس و لرز او در حریم امن خدا شود. فراتر از این، حتی اگر کسی در بیرون دست به جنایتی بزند و به حرم بگریزد، به بیان امام، هیچ‌کس حق ندارد او را در حرم دستگیر کند. اما او را باز می‌دارند از اینکه بتواند به بازار برگردد و خرید و فروش کند و نیز آب و غذا را از او دریغ می‌کنند و دیگران را از سخن گفتن با او بازمی‌دارند و خلاصه او را در حصر مالی و غذایی و

روحي قرار مي دهند تا ناچار شود از حرم خارج شده و آنگاه در بيرون از حرم دستگير مي شود. البته اگر كسي در داخل حرم مرتكب جنايتي شود، از آنجا كه حرمت را شكسته است، همانجا حدّ خدا بر او جاري مي شود [كافي ۴: ۲۵۸].

آنچه گفته شد، بيان ظاهر آيه بود و به احكام شرعي حرمت حرم مربوط مي شود. اما چنانچه امام صادق عليه السلام به ابوحنيفه گفت، چه بسا افرازي حرمت را پاس ندارند. بازهم درستي سخن خدا خدشه ناپذير است. در توضيح اين مطلب به بيانات ديگري از امام صادق عليه السلام اشاره مي شود: كسي كه داخل حرم خدا شود، درحالي كه به آنجا پناهنده شده است، اگر احياناً به خاطر شكستن حرمت حرم، توسط كساني كه به حرمت اعتنا نمي كنند، آزاري ببيند يا كشته شود، از خشم و غضب خدا در امان مي ماند.

يعني به همين خاطر كه در حريم خدا كشته شده است، گناهانش آمرزيده مي شود و در روز قيامت از خشم خدا در امان خواهد بود. همين مطلب با بيان ديگري در دعاهاي حرم آمده است:

بارلها، خانه، خانه ي توس و من هم بنده ي تو و تو خود فرموده اي كه هر كس وارد اين خانه شود در امان خواهد بود.
پس از خدا مرا از عذاب خويش مأمون بدار و از خشم خود پناهم ده.

[تفسير نورالثقلين ۱: ۷۰]

مصون ماندن از خشم خدا بسيار مهم تر از آسيب جاني است. اين آزاري است گذرا و ناپايدار و آن، عذابي است جاودانه و دردناك. اما امنيت و آسايش روحي در اين دنيا و نيز در آخرت حاصل نمي آيد مگر به يك شرط كه آن را امام صادق عليه السلام فرمودند. يكي از شيعة مي گويد: از امام صادق عليه السلام درباره اين آيه شريفة پرسيدم: «هر كس به حريم كعبه درآيد، در امان است.» امام فرمود: مطلبي از من پرسيدى كه كم تر كسي تا به حال از من پرسيده است. هر كس قصد زيارت اين خانه را كند - درحالي كه مي داند كعبه خانه اي است كه خداوند دستور داده است تا مردم به زيارت آنجا بشتابند - و درحالي آنجا را زيارت كند كه نسبت به ما خاندان به راستي شناخت و معرفت داشته باشد، چنين كسي، در دنيا و آخرت، از خطرات مأمون و مصون است. [كافي ۴: ۵۴۵]

كس ديگري همين مطلب را به گونه اي ديگر از امام پرسيد. او سؤال مي كند: خداوند درباره كعبه چنين فرموده است: در آنجا نشانه هاي روشني مثل مقام ابراهيم وجود دارد و هر كس هم به حريمش داخل شود در امان مي ماند. اما اين درحالي است كه گروه هاي منحرف و كژراهه مثل مرجئي و قدرى و خارجى و حتى زنديقى كه هرگز به خدا ايمان نياورده اند، به حريم كعبه وارد مي شوند. آيا اينان همگي از عذاب خدا در امان هستند؟

امام فرمود: هرگز، آنان نه تنها از عذاب خدا در امان نيستند، بلكه هيچ كرامتي هم بر آنها نخواهد بود.

آن شخص مي گويد: به امام عرض كردم: فدائيت شوم، پس منظور از آيه چيست؟ آن حضرت پاسخ داد: هر كس وارد حريم كعبه شود درحالي كه حق امامت و ولايت ما خاندان را مي شناسد، همانگونه كه حق عظمت و حرمت كعبه را مي داند، از آلودگي ها و گناه بيرون مي آيد و خداوند غم و اندوه او را در دنيا و آخرت كفائيت مي كند و برطرف مي سازد. [تفسير عياشي ۱: ۱۸۸]

گفتار گرانمایه‌ای را از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جناب جبرئیل و او از جانب میکائیل و او از حضرت اسرافیل و او هم از سوی خداوند متعال درباره حضرت علی علیه‌السلام فرموده است که تأکید دوباره‌ای است بر همان سخن پیشین: ... و علی را نشانه‌ی آشکار هدایت قرار دادم تا مردم را از گمراهی به در آورد، او را دری دانستم که هر کس بخواهد به حریم معرفت من درآید، از آن در داخل شود. او را خانه‌ای قرار دادم که هر کس به آن وارد شود از آتش عذاب در امان می‌ماند. [کافی ۴: ۵۴۵]

بنابراین امنیت جانی و معنوی و روحانی و دینی و حقیقی و آخرتی، از آن کسی است که به حریم کعبه درآید درحالی که گوهر گران‌بهای ولایت اهل بیت را در صدف جان داشته باشد و فراتر از این، اصلاً کعبه‌ی حقیقی، که هر کس به حریم او درآید از عذاب و گمراهی در امان است، همان وجود نازنین و نورانی حضرت مولی‌الموحدين علی بی‌ابی طالب علیه‌السلام است. مطلب، مهم‌تر و فراتر از آن است که مسلمانان در حجّ انجام می‌دهند. روح حجّ، ولایت امامان علیهم‌السلام است. یک سال در موسم و مراسم حجّ، امام باقر علیه‌السلام به مردمی که گرد خانه‌ی خدا طواف می‌کردند، نگاه کرد و فرمود: در دوران جاهلیت نیز همین‌گونه طواف می‌کردند.

منظور امام روشن است. در ادامه امام فرمودند: همانا این مردم فرمان یافته‌اند تا به گرد کعبه طواف کنند و سپس به نزد ما بیایند و ولایت و مودّت خویش را به آگاهی ما برسانند و یاری و نصرتشان را بر ما عرضه کنند. امام علیه‌السلام پس از بیان این نکته‌ی مهم، این آیه را که دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام درباره فرزندش اسماعیل است، تلاوت فرمود: خدایا دل‌های مردم را چنان قرار ده که به سوی ایشان پر بکشد. [ابراهیم: ۳۷]

اجابت دعای حضرت ابراهیم به آن است که دل‌های مردم به سوی فرزندان ابراهیم یعنی ائمه علیهم‌السلام پر بکشد.

در ماجرای که سَدرِ نقل می‌کند به این موضوع باز هم تأکید شده است. او می‌گوید: من داشتم از مسجدالحرام خارج می‌شدم. امام باقر علیه‌السلام را زیارت کردم که درحال داخل شدن به مسجدالحرام بود. آن حضرت دست مرا گرفت و رو به خانه‌ی خدا کرد و فرمود: همانا مردم دستور دارند که به نزد این سنگ‌ها بیایند و به گرد آن‌ها طواف کنند و سپس به نزد ما بیایند و ما را از ولایتشان آگاه کنند و این است سخن خداوند که می‌فرماید: و به راستی من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و هدایت جوید، بسی آمرزنده‌ام. [طه: ۸۲]

سپس امام به سینه مبارک اشاره فرمود و گفت: یعنی به ولایت ما راه جوید.

سپس به من فرمود: ای سَدر، من اینک کسانی را که مردم را از دین خدا باز می‌دارند، به تو می‌نمایانم.

آنگاه به ابوحنیفه و سفیان ثوری (دو نفر از دانشمندان سنی و خود فروخته) نگریست درحالی که هر یک در مسجدالحرام حلقه‌ای و مجلسی تشکیل داده بودند. سپس فرمود: اینان همان کسانی هستند که مردم را از دین بازداشته‌اند؛ بی‌آنکه هدایتی از جانب خدا داشته باشند و یا کتاب آشکاری نزدشان باشد. اینان مردمان پلیدی هستند که اگر در خانه‌شان می‌نشستند [و دست از فریب مردم برمی‌داشتند] چنان می‌شد که چون مردم به هر سو می‌رفتند کسی را نمی‌یافتند تا آنان را از دین خدا و رسول خبر دهد، ناگزیر به نزد ما می‌آمدند و ما هم ایشان را از دین خدا و رسول آگاه می‌کردیم. [کافی ۱: ۳۹۲]

حج حقیقی آن است که حاجیان حین انجام آن مراسم ظاهری، معالم دینشان را نیز بیاموزند و آموزش درست دین جز از طریق وارثان قرآن و صاحبان سنت نبوی، یعنی ائمه علیهم السلام مقدور نیست.

در تأکیدی دوباره بر این که روح و حقیقت حج رجوع به امام علیه السلام است، آمده است که ذریح یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: به امام عرض کردم: خداوند در کتابش دستوری داده است که دوست دارم آن را عمل کنم. امام فرمود: کدام دستور؟ عرض کردم: همان که می فرماید: سپس باید تَفَث انجام دهند و نیز باید به نذرشان وفا کنند. امام فرمود: منظور از انجام تَفَث دیدار امام است و منظور از وفای به نذر، انجام این مناسک حج.

عبدالله بن سنان می گوید: من به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و معنای همین آیه را پرسیدم. فرمود: یعنی گرفتن ناخن و کوتاه کردن موی پشت لب و از این قبیل. عرض کردم: ذریح از شما روایت کرده است که فرمودید: باید تَفَث انجام دهند، یعنی امام را دیدار کنند و وفای به نذر، انجام مناسک حج است. امام فرمود: راست می گویی، ذریح هم راست می گوید. همانا قرآن ظاهر و باطن دارد. اما چه کسی می تواند آنچه را ذریح دربرمی گیرد، تحمل کند.

در آغاز اشاره ای که بحث میان امام صادق علیه السلام و ابوحنیفه شد. اکنون ادامه آن بیان می شود.

ابوبکر حضرمی که در آن مجلس حاضر بود، می گوید: از امام پرسیدم: معنای آنچه که فرمودید چه می شود؟ آن حضرت پاسخ دادند: ... «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» فَمَنْ بَايَعَهُ وَدَخَلَ وَمَسَحَ عَلَى يَدَيْهِ وَدَخَلَ فِي عُقْدَةِ أَصْحَابِهِ كَانَ آمِنًا. سرانجام چنان خواهد شد که حضرت قائم — که جانهایمان فدایش باید — به مکه می آید و در کنار کعبه دعوتش را آشکار می سازد و در آن هنگام هرکس با آن حضرت بیعت کند و همراه او به حریم خانه ی خدا درآید و دست مبارک او را مسح کند و در گروه یاران او قرار گیرد، البته در امان می ماند.

منابع:

۱. فاضلی، ن. "لذت گفت و گو با امام زمان". مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ سوم، ۱۳۸۷.